

مفتشور بنده توسط سایت شخصی
دکتر عبدالله شمس آبادی
www.dr-ashafabadi.ir
قرآن و علوم روز

QURAN & CONTEMPORARY SCIENCE

علوم روز

۲) قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی

جلد دو THE QURAN, PSYCHOLOGY & EDUCATION

بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه
دانشگاه الزهراء
با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان

تصمیم‌گیری از دیدگاه قرآن و روانشناسی

مریم مشایخ

دکتر عبدالله شفیع آبادی

چکیده:

روانشناسان مختلف به منظور کشف علل مشکلات آدمی می‌بایست به ماهیت او پی ببرند. بنابراین باید دریابند که آدمی چیست، چگونه تصمیم می‌گیرد و در نحوه ارتباط خود با محیط چگونه عمل می‌کند تا به وی کمک نمایند با مشکلاتی که با آن مواجه می‌شود، مقابله کند و زندگی سالمی را در پیش گیرد. در این مقاله به بررسی ماهیت انسان و تصمیم‌گیری، ارتباط مؤثر از دیدگاه قرآن پرداخته شده است و سپس برخی از مصادیق روانشناسی مرتبط با آن ارائه می‌گردد تا نمادی از زندگی سالم عنوان شود.

واژه‌گان کلیدی: ماهیت انسان، ارتباط مؤثر، تصمیم‌گیری، انواع تصمیم‌گیرندگان

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی کرج

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه :

قرآن بر اساس فطرت و طبیعت انسان، برنامه‌ای واقع گرایانه و کامل ارائه می‌دهد و در همه مسائل اساسی و مبتلا به زندگی انسان رهنمود می‌دهد. چرا که تبیان « کل شیء »^۱ است. (فرهادیان، ۱۳۸۴) و یکی از اهداف آن آموزش چگونه زیستن و تصمیم‌گیری در ابعاد مختلف می‌باشد و پیام‌آور آن نیز در این راستا مسائلی را مطرح می‌کند از جمله اینکه برای آگاه شدن از خوبی یا بدی از خودت سؤال کن، اگر چه دیگران چیزهایی دیگری بگویند (و برخلاف تو نظر بدهند زیرا خود آدم به وضع خودش آگاهی بیشتری) دارد (میرزایی، ۱۳۸۶) و برخی از روانشناسان قرن‌ها بعد به نکات مشابه آنچه که در این کتاب مقدس مطرح شده است پی بردند. لذا معرفی اشارات علمی قرآن کریم در بعضی از زمینه‌های روانشناسی ضروری می‌نماید تا شگفتیها و اعجازهای قرآن در این باب مطرح شود و نمودی از واقعیت‌های ماهیت بشری بیشتر نمایان گردد.

ماهیت انسان

آیات کریمه قرآن درباره ماهیت انسان معتقد بر این امر می‌باشد که نفس نیکو است چرا که می‌فرماید قسم به نفس و آنکه آنرا نیکو بیافرید^۲ و مطرح می‌نماید که انسان خود می‌تواند خوبی و بدی را تشخیص دهد چنانچه در آیات مختلف بر این موضوع تأکید دارد

۱. نحل (۱۶)، آیه ۸۹

۲. شمس (۹۱)، آیه ۷

از جمله اینکه انسان بر نیک و بد خویش آگاه است^۱ و به او شر و خیر را الهام کرد^۲ و ما به تحقیق راه را به انسان نمودیم^۳، چشم و گوش و دلها همه مسئولند^۴.

در همین راستا راجرز (۱۹۷۷) بنیانگذار مکتب مراجع محوری بر اساس مطالعات و تحقیقات خود دریافت، انسان موجودی است سازنده، قابل اعتماد، منطقی، اجتماعی، پیش رونده و واقع بین، انسان پاسخهایش را در درون خود پیدا می کند و می تواند بفهمد که تجارب او چگونه ادراک شده اند و برایش چه معنایی دارد و به صورت یک کل سازمان یافته به محیط پاسخ می دهد.

این امر نشانگر آن است که آدمی خود به تنهایی توانایی درک امور را دارد و می تواند راه حل های مختلف را برای چگونه مقابله کردن با مشکلات پیدا نماید و تأکید بر این آیه است که این کتاب برای کسانی که ایمان آورده اند، راهنما و شفاست^۵ و نشان دهنده مختار بودن و تصمیم گیرنده بودن انسان است.

ارتباط مؤثر

اشارات آیات کریمه قرآن درباره چگونگی ارتباط انسان با دیگران بر مهربانی، پذیرش و احترام بدون شرط تأکید دارد تا رشد و تغییر مثبت شخصیت صورت گیرد. زیرا می فرماید: همواره (بدی) را به نیکوترین وجهی پاسخ ده، زیرا همان کسی که گویی با تو

۱. قیامه (۷۵)، آیه ۱۵

۲. شمس (۹۱)، آیه ۸

۳. دهر (۷۶)، آیه ۳

۴. الاسراء (۱۷)، آیه ۳۶

۵. انعام (۶۱)، آیه ۱۴۴

سر دشمنی دارد، دوست خواهد شد^۱، با او به نرمی سخن گوئید شاید که پند گیرد یا بترسد^۲، چون شما را به سلامی نواختند به سلامی بهتر از آن یا همانند آن پاسخ گوئید^۳.
از دیدگاه روان شناسی چون راجرز (۱۹۸۶) پذیرش و احترام مثبت و بدون شرط منجر به برقراری یک رابطه عاطفی مناسب می شود زیرا عواطف ضد اجتماعی نظیر خصومت، عکس العملهایی در قبل ناکام ماندن در کششهای اساسی نظیر عشق و محبت، احساس تعلق، احساس امنیت است.

پروردگار تبارک و تعالی در ارتباط با دیگران بر صداقت تأکید می کند چرا که می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید چرا چیزی را می گوئید که خلاف آن می کنید. از این عمل که سخن بگوئید و خلاف آن کنید که خدا را به خشم می آورد^۴، هرگز بر آنچه علم و اطمینان نداری پیروی مکن^۵. خدا راستگویان را به راستی گفتارشان پاداش می دهد^۶.
راجرز (۱۹۶۷) مطرح می کند که فرد مطلوب کسی است که از همسازی درونی برخوردار باشد و بین آنچه که هست و آنچه که می گوید اختلافی وجود نداشته باشد. همین امر باعث ایجاد اطمینان و رابطه حسنه می شود. چنین گفتاری اعجاز آیات قرآن را نشان می دهد.

خداوند می فرماید هر آینه پیامبری از خود شما بر شما مبعوث شد، هر آنچه شما

۱. فصلت (۴۱)، آیه ۳۴

۲. طه (۲۰)، آیه ۴۴

۳. نساء (۴)، آیه ۸۶

۴. صف (۶۱)، آیه ۲ و ۳

۵. الاسراء (۱۷)، آیه ۳۶

۶. احزاب (۳۳)، آیه ۲۴

می دهد بر او گران می آید. سخت به شما دلبسته است و با مؤمنان رثوف و مهربان است.



مصدق این مطلب به مفهوم همدلی کردن در نظریه راجرز (۱۹۸۷) نزدیک می باشد وی معتقد است به منظور برقراری ارتباط مؤثر با دیگران می بایست با آنها همدلی کرد بدین معنی که گویا مشکل متعلق به خود ماست و مسائل را از دیدگاه فرد باید نگریست وی معتقد است به منظور پی بردن به این مطلب که آیا مشکلات افراد به درستی درک شده است مشکلی که خود آنها بیشتر از همه از آن آگاهی دارند، بهترین روش پرسیدن در مورد صحت این مطلب است و این امری است که خداوند به آن اشاره نموده است چنانچه می فرماید پس اگر نمی دانید از اهل ذکر (آگاهان) پرسید^۱ و می فرماید او (پیامبر) (سراپا) گوش است بگو او شنونده خوبی است برای شما^۲ گوش دادن فعال و دقیق و سپردن ابتکار جلسه بحث به فرد درباره اینکه وی در ارتباط با هر موضوعی که می خواهد بحث را آغاز کند و ادامه دهد منجر می شود تا فرد احساس خود مختاری کند که یکی از عوامل مهم در تغییر شخصیت و تداوم رابطه عاطفی است و تمامی این متون یعنی پذیرش و احترام بدون شرط، خلوص، همدلی و روشهای وابسته به آن نظیر سؤال کردن و خوب گوش دادن، به افراد کمک می کند تا خود را آنگونه که هستند بشناسند و از حالت عدم تعادل و سازگاری حرکت کنند و تمامی استعدادها و تواناییهای خود را برای رشد و تغییر مثبت شخصیت خود به کار بندند (راجرز، ۱۹۸۰).

۱. توبه (۹)، آیه ۱۲۸

۲. نحا (۱۶)، آیه ۴۳

تصمیم گیری

بر اساس آیات کریمه قرآن، خداوند معتقد است که آدمی به منظور پاسخگویی به سئوالات مطرح شده در امور مختلف زندگی می‌بایست اطلاعاتی را جمع آوری نماید و آنها را برآورد کند تا بتواند بهترین پاسخ آن مسأله را دریابد که این فرایند در روانشناسی معادل فرایند حل مسأله و تصمیم گیری می‌باشد و شاهد آن آیاتی است که در ذیل می‌آید. خداوند در مورد مسأله انجام شکر یا کفران نعمت می‌فرماید: آیا بر انسان روزگارانی نگذشت که چیزی لایق ذکر هیچ نبود، او را از آب نطفه مختلط کردیم و دارای قوای چشم و گوش گردانیدیم ما به حقیقت راه (حق و باطل) را به انسان نمودیم حالی خواهد هدایت پذیرد و شکر این نعمت گوید و خواهد آن نعمت را کفران کند.^۱

پروردگار متعال در مورد حل مسئله ایمان آوردن یا نیاوردن می‌فرماید: آیا ما شما آدمیان را از آب نطفه بیقدر بدین زیبایی نیافریدیم و آن نطفه را به قرارگاه رحم منتقل ساختیم. تا مدتی معین و معلوم و ما تقدیر مدت رحم کردیم که نیکو مقدر حکیمی هستیم، آیا ما زمین را کفایت (بر هر امر بشر) قرار ندادیم، تا زندگان روی زمین زندگی کنند و مردگان درونش پنهان شوند و زمین کوههای بلند برافراشتیم و از ابر و باران به شما آب زلال گوارا نوشانیدیم، شما پس از آیات خدا (که آنرا تکذیب کردید) باز به کدامین حدیث ایمان می‌آورید.^۲

خداوند متعال در مورد مسئله زنده شدن مردگان پس از مرگ و پاسخ گویی به این

۱. دهر (۷۶)، آیات ۱، ۲ و ۳

۲. مرسلات (۷۷)، آیات ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۵۰

فرماید: آیا (آدمی) در اول قطره ای آب منی نبود و پس از نطفه خون بسته و آنگاه (به این صورت زیبا) آفریده و آراسته گردید، پس آنگاه دو گروه نر و ماده پدید آورد، آیا چنین خدایی را با قدرت و حکمت باز نتواند پس از مرگش زنده گرداند.^۱ در جایی دیگر می فرماید: آیا انسان ندید که ما او را از نطفه خلق کردیم که دشمن آشکار ما گردید و برای ما مثلی زد که گفت این استخوانهای پوسیده را باز که زنده کند، ای رسول ما بگو آن خدایی زنده می کند که اول بار آنها را حیات بخشید و او به هر خلقت دانا است.

آن خدایی که از درخت سبز برای انتفاع شما آتش قرار داده تا وقتی که خواهید برافروزید، آیا آن خدایی که خلقت با عظمت آسمانها و زمین را آفریده بر آفرینش (موجود ضعیفی) مانند شما قادر نیست (که چون مردید باز شما را زنده گرداند) آری البته قادر است که او آفریننده دانا است.^۲

پروردگار متعال می فرماید: ای مردم اگر شما در روز قیامت و قدرت خدا بر بعثت مردگان شک و ریبی دارید (برای رفع شک خود بدین دلیل توجه کنید و...) بدانید که ما شما را نخست از خاک آفریدیم، آنگاه از آب نطفه آنگاه از خون بسته، آنگاه از پاره گوشت تمام و ناتمام در این انتقال و تحولات قدرت خود را بر شما آشکار سازیم و از نطفه ها آنچه را پشت ما تعلق گیرد در رحمها قرار دهیم تا به وقتی معین طفلی بر رحم بیرون آریم تا زیست کرده و به حد بلوغ و کمال برسد و برخی از شما (در این بین) بمیرد و برخی به سن پیری و دوران ضعف و ناتوانی رسد تا آنجا که پس از دانش و هوش خرف

شود و هیچ فهم نکند (دلیل دیگر از ادله قدرت خدا بر معاد آنکه) زمین را بنگری وقتی خشک و بی گیاه باشد آنگاه باران بر آن فرو باریم تا سبز و خرم شود و نمو کند و از هر نوع گیاه زیبا برویاند، این (آثار قدرت) دلیل است که خدای قادر حق است و او البته مردگان را زنده کرد و او محققاً بر هر چیزی تواناست.^۱

و اصحاب شقاوت می گفتند آیا ما چون مردیم و استخوان ما خاک شد باز هم ما زنده می شویم یا پدران گذشته ما زنده خواهند شد، ای رسول بگو البته تمام خلق اولین و آخرین زنده می شوند، ما شما را بدین خلقت (زیبا) بیافریدیم، پس چرا آفریننده را تصدیق نمی کنید، اما ندیدید که نخست شما نطفه ای بودید، آیا شما خود آن نطفه (بی جان را) به صورت فرزند انسان آفریدید یا ما آفریدیم، آیا ندیدید تخمی را که در زمین کاشتید، آیا شما از خاک آن تخم را رویانیدید یا ما رویانیدیم، اگر ما بخواهیم کشت و زرع شما را خشک و تباه سازیم تا با حسرت و ندامت به سخنان بیهوده پردازید و گوئید ما سخت در زیان و غرامت افتادیم، آیا آبی را که شما می نوشید متوجه آید، که آیا شما آب را از ابر فرو ریختید یا ما نازل ساختیم (محققاً ما نازل کردیم)، اگر می خواستیم آن آب را به جای آنکه خوش و گوارا کرده ایم شور و تلخ می گردانیدیم آیا شکر گذاری (این نعمت بزرگ) نمی کنید، آیا به آتشی که روشن می کنید می نگرید، آیا شما درخت آن را آفریدید یا ما آفریدیم، ما آن آتش را خلق کردیم و ما به پند و عبرت مسافران کوه و بیابان عالم گردانیدیم که برای مایحتاج خود به کار می برند، پس چگونه خواهد بود هنگامی که جانشان به گلو رسد و شما وقت مرگ بر بالین آن مرده حاضرید و ما به او از شما نزدیکتریم لیکن شما معرفت و بصیرت ندارید، اگر کار به دست شما و طبیعت است و شما

در جای دیگر پروردگار متعال می‌فرماید: ای کشته باد انسان (بی‌ایمان) چرا تا این حد کفر و عناد می‌ورزد، از چه چیزی خلق شده است از آب نطفه خدا بدین (صورت) خلقتش فرمود، سپس راه بر او سهل و آسان گردانید آنگاه او را بمیراند و به خاک قبر سپرد و سپس هر وقت خواهد باز او را از قبر برانگیزد.^۱

پروردگار قادر متعال به منظور اثبات قدرت حقّ می‌فرماید: پس آنگاه او (آدمی) را نطفه گردانیده و در جای استوار (صل رحم) قرار دادیم، آنگاه نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان و سپس بر استخوانها گوشت پوشاندیم پس از آن خلقی دیگر انشا نمودیم آفرین بر قدرت کامل بهترین آفریننده، باز (شما آدمیانی که بدین ترتیب خلقت شدید) همه خواهید مرد.^۲

اوست خدایی که شما را از رحم مادر به صورت طفلی بیرون آورد تا آنکه به سن رشد و کمال برسید و باز پیری سالخورده شوید و برخی از شما از سن پیری وفات کنید و همه با اجل معین خود (این چنین کردیم تا) مگر قدرت خدا را تعقل کنید.^۳

آیا بنای شما آدمیان استوارتر است یا بنای آسمان بلند، که سقفی بس بلند و بی‌ستون و استوار ساخت و شامش را تیره ساخت و روزش را روشن گردانید و زمین را پس از آن بگسترانید و در آن آب و گیاه پدید آورد و کوه‌ها را عماد آن ساخت تا از آن آب و گیاه و قوت شما و چارپایان برآید و هیچکس نیست جز آنکه همه نزد ما (خداوند) حاضر

۱. واقعه (۵۶)، آیات ۴۸ تا ۸۷

۲. عبس (۸۰)، آیات ۱۷ تا ۲۲

۳. مؤمنون (۲۳)، آیات ۱۲ تا ۱۵

۴. مؤمنون (۲۳)، آیه ۶۷

می شوند و یک برهان آن است که ما زمین مرده را (به باران رحمت) زنده کرده و از آن دانه که قوت و روزی خلق شود می روینیم و زمین باغها از نخل خرما و انگور قرار دادیم و در آن چشمه های آب جاری کردیم تا مردم از میوه آن، باغها تناول کنند و از انواع غذاهایی که عمل می آورند نیز تغذیه نمایند آیا نباید شکر آن نعمتها به جای آرند پاک و منزّه است خدائی که همه ممکنات عالم را جفت آفرید چه از نباتات و چه از نفوس بشر و دیگر مخلوقات که شما از آن آگاه نیستید و برهان دیگری برای خلق وجود شب است که ما چون پرده روز را از آن برگیریم ناگهان همه را تاریکی فرا گیرد و نیز خورشید تابان که بر مدار معین بی هیچ اختلاف به گردش و برهان دیگر بر قدرت خدای دانای مقتدر است و نیز گردش ماه تابان که در منازل معین مقدر کردیم تا مانند شاخه خرما (زرد و لاغر به منزل او) باز گردید بر قدرت حق برهان دیگری است.^۱

و یکی از آیات قدرت الهی خلقت آسمانها و زمین است و یکی دیگر اختلاف زبانها و رنگهای شما آدمیان که در این امور نیز ادله صنع و حکمت حق برای دانشمندان عالم آشکار است و یکی از آیات حق همین که شما در شب و روز بخواب رفته (و بیدار می شوید) و از فضل خدا طلب روزی می کنید در این امر هم ادله قدرتش برای قومی که سخن حق بشنوند پدیدار است و یکی از آیات الهی همان برق است که هم شما را صاعقه عذاب می ترساند و هم به رحمت باران آسمان که زمین را پس از مرگ زنده می کند امیدوار می گرداند در این امر نیز ادله قدرت ایزد برای اهل خرد آشکار است^۲ خدا آن کسی است که بادها را می فرستد تا ابرها را در فضا برانگیزد پس به هر گونه که مشیتش

۱. نازعات (۷۹)، آیات ۲۷ تا ۳۸

۲. روم (۳۰)، آیات ۲۲ تا ۲۴

منتشر شده توسط ساکنین
 دکتر هادی شیخ آبادی
 www.dr-ashojtabadi.ir

در اطراف آسمان متصل و منبسط کند و باز متفرق گرداند آن گاه باران را بنگری که قطره قطره از درونش بیرون ریزد تا به کشتزار و صحرای هر قومی از بندگان بخواهد فرو بارد و به یک لحظه آن قوم سرور و شادمان گردند و هر چند پیش از آن که باران بر آنان ببارد (از لطف خدا) به حال یأس و نومیدی می زیستند پس دیده باز کن و آثار رحمت نامتناهی الهی را مشاهده کن که چگونه زمین را پس از مرگ باز زنده می گرداند، محققاً همان خداست که مردگان را پس از مرگ باز زنده می کند و او به قدرت کامله ذاتی بر هر چیز عالم تواناست^۱.

پروردگار متعال درباره پاسخ به بازیچه نبودن خلقت و چرایی به وجود آمدن جهان می فرماید: ما آسمان و زمین و آنچه بین زمین و آسمانست به بازیچه نیافریدیم^۲. محققاً در خلقت آسمان و زمین و رفت و آمد شب و روز روشن دلائلی است خردمندان را آنهایی که در هر حالت ایستاده و نشسته و خفتن خدا را یاد کنند و دائم فکر در خلقت آسمان و زمین کرده و گویند پروردگارا این دستگاه با عظمت را بیهوده نیافریده ای پاک و منزهی ما را به لطف خود از عذاب آتش نگاهدار^۳.

آیات کریمه قرآن درباره برهان نظم و اثبات ناظم بودن پروردگار متعال به این آیات اشاره می کند: از گردش دیگر منظم عالم نه خورشید را شاید که به ماه فرا رسد و نه شب به روز سبقت گیرد و هر یک بر مدار معینی (در این دریای بی پایان) شناورند و برهان دیگر آنکه ما نژاد بشر را در کشتی پر بار سوار گردانیدیم و نیز برای آنها به مانند کشتی چیزی

۱. روم (۳۰)، آیات ۴۸ تا ۵۰

۲. انبیاء (۲۱)، آیه ۱۶

۳. آل عمران (۳)، آیات ۱۹۰ و ۱۹۱

منتشر شده توسط آسپد شخصی
که به به شرح آسانی
www.dr-a-shafiqabadi.ir

خواهی و نه راه نجاتی یابند مگر باز لطف و رحمت ما آنها را نجات دهد و تا دقت معین بهره زندگی بخشد و چون مردم را گویند در گذشته و آینده خودش اندیشه کنید شاید مورد لطف و رحمت خدا قرار گیرد.^۱

پروردگار متعال به منظور پاسخ به این سؤال که محافظ شما کیست می‌فرماید: آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین بسته بود ما آنها را شکافتیم و از آب هر چیزی را زنده گردانیدیم چرا باز به خدا ایمان نمی‌آورند و در روی زمین کوههای استوار قرار دادیم تا خلق را از اضطراب حفظ کند و نیز راهها در کوه و جاده‌ها در زمین برای هدایت مردم مقرر فرمودیم و آسمان را سقفی محفوظ و طاقی محکم آفریدیم و این کافران غافل از مشاهده آیات اعراض می‌کنند و اوست خدائی که شب و روز و خورشید و ماه را به قدرت کامل بیافرید که هر یک (به امر خدا) در مدار معینی سیر می‌کنند،^۲ بگو کیست جز آن خدای مهربان که شما را در شب و روز محافظت می‌کند؟ بلی این مردم از یاد خدا اعراض می‌کنند، آیا برای این مشرکان غیر ما خدایانی هست که بتوانند عذاب ما را از اینان منع کنند در صورتیکه آن خدایان نه هیچ قدرت بر دفاع از خود دارند و نه آنها را از قهر ما قادری حمایت تواند کرد، بلکه تنها مائیم که این مردم و پدران پیشینیان را متمتع به نعمتهای دنیا کردیم تا آنکه عمر دراز کردند آیا مردم نمی‌بینند که مائیم قادر مطلق که اراده کنیم زمین و اهلس را از هر طرف به مرگ و فنا می‌کاهیم آیا این خلق عاجز بر ما غلبه توانند کرد.^۳

۱. یس (۳۶)، آیات ۴۰ تا ۴۵

۲. انبیاء (۲۱)، آیات ۳۰ تا ۳۳

۳. انبیاء (۲۱)، آیات ۴۲ تا ۴۴

آیا ما زمین را مهد آسایش خلق نگردانیدیم^۱ و کوهها را عمار و نگهبانان ساختم و شما را جفت (زن و مرد) آفریدیم و خواب را برای شما مایه قوام حیات و استراحت قرار دادیم و پرده سیاه شب را ساتر (احوال خلق) گردانیدیم و روز روشن را برای تحصیل معاش آنان مقرر داشتیم و برفراز آنها هفت آسمان محکم بنا کردیم و چراغی (چون خورشید) رخشان برافروختیم و از فشار و تراکم ابرها آب باران فرو ریختیم، تا بدان آب دانه و گیاه رویانیدیم و باغهای پر درخت پدید آوردیم^۲ خدایی که آسمانها و زمین و همه مخلوقاتی که در بین آسمان و زمین است بیافریده خدائی مهربان است که در عین مهربانی کسی از قهر و سطوتش با او به گفتگو لب نتواند گشود.^۳

خداست آنکه برای شما آدمیان، چار پایان را آفرید تا بر بعضی سوار شوید و از برخی تغذیه کنید و نیز نفع بسیار دیگر از آنها ببرید حوائج و اغراضی که به آنها دارید انجام دهید و به آنها در خاک و بر کشتیها در آب سوار شوید و خدا آیات خود را به شما در جهان ارائه داد پس کدام یک از آیات الهی را انکار توانید کرد.^۴

آیا کافران ندیدند که بر آنها به دست قدرت خود چهارپایان را خلقت کردیم تا آنها مالک شوند و آن حیوانات را مطیع و رام آنها ساختم تا هم بر آن سوار شوند و هم از آن غذا تناول کنند و برای مردم در آن حیوانات منافع (بسیاری از پوست و پشم و غیره) آشامیدنیهای فراوانی (از شیر و ماست و غیره) قرار دادیم آیا شکر این نعمتها را نباید به

۱. نبأ (۷۸)، آیه ۶

۲. نبأ (۷۸)، آیات ۸ تا ۱۶

۳. نبأ (۷۸)، آیه ۲۷

۴. نبأ (۷۸)، آیات ۷۹ تا ۸۱

همانگونه که از آیات مطرح شده برمی آید به منظور استدلال و تصمیم گیری و حل مشکل می بایست مراحل مختلفی را طی کرد که جان دیویی (۱۹۱۰) این مراحل را اینگونه مطرح نمود:

(۱) آگاهی از مشکل و مسأله‌ای که فرد با آن مواجه است (علت شکر خداوند، وجود خداوند، وجود معاد، قدرت خداوند، علت آفرینش) (۲) جمع آوری اطلاعات و تعیین راه‌های احتمالی برای مشکل (توجه به کل دستگاه آفرینش) (۳) تفکر درباره واقعیت و تعیین راه‌های احتمالی برای مشکل را حل خواهد کرد (تفکر در آفرینش) (۴) بررسی فرضیه با توجه به اطلاعات و واقعیات جمع آوری شده (بررسی علت شکر خداوند، وجود خداوند، وجود معاد، قدرت خداوند، علت آفرینش) (۵) انتخاب یکی از راه‌های پیشنهادی که به بهترین وجهی احتمالاً مشکل را حل خواهد کرد (تأیید یا عدم تأیید شکر و وجود خداوند، وجود معاد، قدرت خداوند و علت بیهودگی آفرینش)

روانشناسان دیگر نظریه‌ای شبیه جان دیویی داشتند از جمله هالپرن (۱۹۹۷) می گوید تصمیم گیری انتخابی است از بین مجموعه متغیرهای موجود و تصمیم گیریها زمانی رخ می دهند که اهداف مشخص اطلاعات جمع آوری و ارزیابی، ارزشها تعیین و بهترین راه حل انتخاب شده باشد و خرده طرحها طراحی و مورد ارزیابی قرار گرفته باشند. هنگامیکه برای انجام کاری متغیرهای زیادی وجود داشته باشد و از بین آنها می بایست تعدادی را انتخاب کرد، تصمیم گیری دشوار می شود (هالپرن، ۱۹۹۷)

هیننگ (۲۰۰۰) معتقد است اساس تصمیم گیریهای مناسب بدین شرح می باشد:

۱- در نظر گرفتن اخلاقیات در تصمیم گیری

۲- شناخت اهداف و جستجو کردن متغیرها

۳- مشورت کردن با افراد با تجربه و خبره (و با دیگران مشورت کن)

۴- جمع آوری سودمندترین اطلاعات

۵- اطلاع از اینکه چه زمانی برای تصمیم گیری مناسب است

۶- حفظ تعادل

۷- انتخاب کوتاه ترین و عملی ترین راه

۸- تصمیم گرفتن در مورد اینکه چگونه تصمیمی اتخاذ شود و با چه کسانی در واقع

اینکه پیامدهای تصمیم گیری چه هستند، بستگی به چگونگی تصمیم گیری دارند.

از آنجائیکه رعایت اخلاقیات منوط به شناسایی خوبی و بدی است و شناخت اهداف نیازمند به پرسیدن سؤال یا سئوالاتی است نظیر اینکه آیا انسان بعد از مرگ زنده می شود و

جمع آوری سودمندترین اطلاعات مبتنی بر مشاهده و بررسی دقیق می باشد نظیر بررسی

دقیق دستگاه آفرینش، حرکت ماه و خورشید و سپس بعد از جمع آوری کامل و دقیق

اطلاعات فرد به منظور تصمیم گیری مناسب، به سئوالات همراه با حفظ تعادل و بدون

سوگیری پاسخ کوتاه و مناسبی را می دهد.

به عنوان مثال درمی یابد که زنده شدن مردگان امری محال نیست و این عالم خالقی دارد

که قادر، رازق و... است و اینکه اعتقاد به معاد و خالق بودن پروردگار متعال و غیره

پیامدهای خاص خود را دارد، می توان دریافت که قرنهای پیش قرآن کریم از چگونگی

فرایند تصمیم گیری مناسب پرده برداری نموده است.

که تحلیل اطلاعات تصمیمی را بگیریم

انسانی را اعمال نمود.^۱

می توان دریافت که چرا در آیات کریمه الهی کلمه عزم (تصمیم گیری) به خداوند نسبت داده نشده است بلکه کلمه اراده به خدا نسبت داده شده است چنانچه در آیه ۸۳ سوره یس می فرمایند و هنگامیکه فرمان خداوند اراده کند آنچه که نیست هست می شود زیرا خداوند به همه امور آگاه است و نیازی به تصمیم گیری ندارد و کافی است، فقط اراده کند.

انواع تصمیم گیرندگان

هنگامیکه در مقابل انسان راه های مختلف وجود داشته باشد و فرد مجبور به انتخاب یکی از آنها باشد تصمیم گیری صورت می پذیرد و بر اساس چگونگی انتخاب این راه ها تصمیم گیرندگان مختلفی نیز تعریف شده اند که در ادامه به آنها می پردازیم:

پروردگار متعال می فرماید خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر اینکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند^۲ و این است که خدا نعمتی که به قومی عطا کرد تغییر نمی دهد تا وقتی که آن قوم حال خود را تغییر دهند که خدا شنوا و داناست^۳ پس خداوند طبق این آیات کریمه مطرح می نمایند افراد حاکم بر سرنوشت خویش می باشند و این سرنوشت و محیط نیست که برای آنها تصمیم می گیرد در همین راستا روانشناسی به نام دینکلچ ۱۹۶۸ معتقد است چنانچه افراد معتقد باشند که سرنوشت یا محیط برای آنها

۱. ربونو، ۱۹۹۶، ترجمه لطیف ۱۳۷۵

۲. رعد (۱۳)، آیه ۱۱

۳. انفال (۸)، آیه ۵۲

تصمیم می‌گیرد، تصمیم‌گیرنده جبرگرا هستند.

هنگامیکه خداوند می‌فرماید آدمی در خلقت و طبیعت بسیار شتابکار است، ای مردم آیات خود را به زودی به شما می‌نمائیم تعجیل مدارید،^۱ انسان بر اثر شتابزدگی بدیها را طلب می‌کند آنگونه که نیکها را می‌طلبد و انسان همیشه عجول بوده است^۲ به ماهیت شتابکار بودن انسان اشاره می‌کند چنانچه جینز (۱۹۸۹) عنوان می‌نماید افرادی هستند که با دیدن اولین مؤلفه آنرا انتخاب می‌کنند بدون اینکه گزینه‌های دیگر را در نظر بگیرند اینگونه افراد تصمیم‌گیرندگان تکانشی می‌باشند.

پروردگار متعال فرمودند: به او (ابراهیم) گفت: اسلام بیاور (و در برابر حق تسلیم باش) و گفت در برابر پروردگار جهانیان تسلیم شدم^۳ و ابراهیم نه یهودی بود، نه نصرانی بلکه تسلیم محض خداوند بود.^۴ در این آیات اشاره به این مطلب می‌شود که حضرت ابراهیم علیه السلام تسلیم محض فرمایش خداوند بوده‌اند که هاستی (۲۰۰۱) به این نوع سبک تصمیم‌گیری اشاره می‌نماید و به این نوع تصمیم‌گیرنده، تصمیم‌گیرنده تسلیم شونده می‌گوید، کسی که دنباله‌رو خط مشی دیگری می‌شود و تصمیمات او را به تصمیمات خود ترجیح می‌دهد. پروردگار متعال می‌فرمایند: ای رسول بگو به امت که من مانند شما بشری هستم (با این تفاوت) که به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است^۵ و به موسی فرمود که به مادرت آنچه لازم بود الهام کردیم که او (فرزندت یعنی موسی) را در صندوقی بپفکند و

۱. انبیاء (۲۱)، آیه ۲۷

۲. اسراء (۱۷)، آیه ۱۱

۳. بقره (۲)، آیه ۱۳۱

۴. آل عمران (۳)، آیه ۶۷

۵. که ن (۱۱)، آیه ۱۱

آن صندوق را به ساحل افکند^۱ و پروردگار تو به زنبور عسل الهام کرد که از کوه‌ها و از داربست‌هایی که (مردم) می‌سازند لانه‌هایی بگیر^۲ این آیات به کسانی اشاره می‌کند که راهبردها را بر مبنای آن چیزی می‌گذارند که احساس می‌کنند یعنی تصمیم گیرندگان شهودی که جسدین (۱۹۷۴) از آنها به عنوان تصمیم گیرندگان شهودی یاد می‌کند.

پروردگار متعال در مورد ساحران فرعون می‌فرماید آن هنگامیکه حقانیت موسی برایشان روشن شد گفتند: ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم^۳ این آیه از قرآن اشاره به این موضوع دارد که با وجود فشار بر روی ساحران توانستند بین شناخت و هیجان خود تعادل برقرار کرده و تصمیمی منطقی را اتخاذ نمایند از نظر دینکلیج (۱۹۶۸) این نوع تصمیم گیرنده، تصمیم گیرنده طراح است.

خداوند در مورد فرعون می‌فرماید تا چون هنگام غرق او رسید گفت: ایمان می‌آورم که هیچ معبودی جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند وجود ندارد و من از مسلمین هستم^۴ در واقع در این آیه فرعون کسی است که فکر و عمل کردن در مورد یک مشکل را به تعویق می‌اندازد که هاستی (۲۰۰۱) از این نوع تصمیم گیرنده به عنوان تصمیم گیرنده تعویق انداز یاد می‌کند.

و فرمود به یاد آورید هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: خداوند به شما دستور می‌دهد ماده گاوی را ذبح کنید (و آنان ایرادهای بسیاری گرفتند)^۵ این نوع افراد که زمان

۱. طه (۲۰)، آیات ۳۸ و ۳۹

۲. نحل (۱۶)، آیه ۶۸

۳. طه (۲۰)، آیه ۷۰

۴. یونس (۱۰)، آیه ۹۰

۵. بقره (۲)، آیات ۶۷ تا ۷۱

زیادتی را صرف جمع‌آوری اطلاعات، فکر کردن درباره آنها و تحلیل متغیرها می‌کنند تا اینکه فقط اطلاعات متوسط مفقود شده از انبوهی از اطلاعات را بدست آورند تصمیم

گیرنده آزارنده می‌نمایند (جیس، ۱۹۷۴) هنگامیکه موسی به قوم خود گفت: چرا از وعده حق روی گردان شدید و گوساله پرست گفتند ما به میل و اراده خود از وعده تو تخلف نکردیم... سامری اینچنین القاء کرد^۱

چنین افرادی که از تصمیم‌گیری یا پاسخ دادن به آن طفره می‌روند به عنوان تصمیم‌گیرنده طفره رونده قلمداد می‌شوند (دینکلیج، ۱۹۶۸) و فرمود به خاطر بیاورید روزی را که دشمنان خدا را جمع کرده و به سوی دوزخ می‌برند و صفوف پیشین را نگه می‌دارند و وقتی به آن می‌رسند گوشها، چشمها و پوستهای تنشان به آنچه می‌کردند گواهی می‌دهند، آنها به پوست تنشان می‌گویند:

«چرا بر ضد ما گواهی دادی؟»

آنها جواب می‌دهند: همان خدایی که هر موجودی را به نطق درآورده ما را گویا ساخته و او شما را نخستین بار آفرید و باز گشتتان به سوی اوست^۲ اینگونه افراد کسانی هستند که نمی‌توانند تصمیم‌گیریشان را عمل کنند یعنی می‌خواهند انتخاب کنند اما نمی‌توانند که این نوع تصمیم‌گیرنده، تصمیم‌گیرنده فلج می‌باشد (هاستی، ۲۰۰۱) و از داستان شهر ساحل دریا گفت: زمانی که آنها در روزهای شنبه، تجاوز (و نافرمانی خدا) می‌کردند، همان هنگام که ماهیانشان در روز شنبه (که روز تعطیل و استراحت و عبادت بود، بر سطح آب) آشکار می‌شدند، اما در غیر شنبه به سراغ آنها نمی‌آمدند، این چنین آنها را به چیزی آزمایش

کردیم که نافرمانی می کردند^۱.

دینکلیج (۱۹۶۸) به این نوع تصمیم گیرندگان که بیشتر مؤلفه‌های کم خطر را انتخاب می‌کنند نه بهترین مؤلفه‌ها را تصمیم گیرندهٔ محافظه کار می‌گوید، نوعی از انتخاب قرآن کریم سالها قبل بدان اشاره نموده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند زمانی که خواستی، کاری انجام دهی، به عاقبت آن، (خوب) بیندیش اگر آخر این کار خوب باشد، آن را انجام بده و اگر بد باشد، آن را رها کن و زمانی که تصمیم به انجام کار گرفتی، درباره آن هفت مرتبه از خدا طلب خیر کن (استخاره نما) سپس به چیزی که در قلب می‌گذرد، نگاه کن (بین که قلب تو کدام طرف متمایل است) (میرزایی، ۱۳۸۶). از این فرمایش گوهر بار می‌توانیم دریابیم که تصمیم‌گیری امری سرنوشت‌ساز و مهمی است و می‌بایست به دقت و با رعایت اصول خاصی صورت پذیرد تا عاقبت آن خیر باشد. پس بنابر آنچه که در این مقاله گذشت آدمی می‌تواند با آشنایی از ماهیت انسان، ارتباط مؤثر، فرایند تصمیم‌گیری و انواع تصمیم‌گیرندگان بهتر و دقیق‌تر، سرنوشت خویش را رقم زند.

منابع و مآخذ :

۱. ربونو، ادوارد (۱۹۹۵)، مهارت در اندیشیدن، ترجمه لطیف، بهمن ۱۳۷۵، تهران انتشارات اهل قلم، چاپ اول.
۲. شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۸۵)، راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی، تهران انتشارات سمت، چاپ دوم.
۳. فرهادیان، رضا (۱۳۷۵) مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث، انتشارات تبلیغات اسلامی.
۴. میرزایی، علی اکبر (۱۳۸۶)، نهج الفصاحه (ترجمه). انتشارات چاف، قم، پنجم.
۵. ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قرآن کریم، (۱۳۷۹)، قم، انتشارات اسوه، چاپ اول.

Reference

۱. Dinklage, L.B (۱۹۶۸). Delusion Strategies of adolescents.
Doctoral dissertation, Harward university, Cambrige. MA
۳. Halpern, D.F (۱۹۹۶), Thought and knowledge an introduction to critical thinking. Newjersey have and London, Lawrence Erlvaum Associates.
۴. Hastie. R (۲۰۰۱). Problems for judgment and decision making contributors.
Journal title: Annual Review of psychology, Vol ۱, PP. ۶۵۳.
۵. Jains, I. L (۱۹۸۹). Crucial decisions NewYork: The free press.
۶. Jepsen D.A (۱۹۷۴). “Vocational decision – making strategy types”. Vocational Guidance Quarterly, ۲۳, ۱۷- ۲۳.
۷. Rogers, C.R (۱۹۷۷). Carl Rogers on personal power. NewYork: Delacorte.
۸. Rogers, C.R (۱۹۸۰), A way of being. Boston: Houghton Mifflin.
۹. Rogers, C.R (۱۹۸۶). Carl Rogers on the development of person – centered approach. Person – centered review, ۱, ۲۵۷- ۲۵۹.
۱۰. Hoeing, C (۲۰۰۰). The problem Solving Journey your guide to making decisions and getting results, NewJersey Hove and London, perseus publishing.